

بی توجهی به دریا وظیفه سیمای آقای جبلی دزدان دریای کارائیب را دوباره پخش کنید

فیروز اسماعیلی - رهبر جمهوری اسلامی اخیرا تاکید کرد که «توجه کافی به دریا نشده است». در این بی توجهی، نگاهها نباید فقط به سمت فعالان دریایی باشند، بلکه غیر دریایی ها تقصیر بیشتری دارند. در این میان، سیمای جمهوری اسلامی مقصر ترین عنصر در بی توجهی به دریاست. رسانه ملی که گسترده کشوری دارد و با ده ها شبکه، مالیات مردم را می‌بلعد، اما کاری نمی‌کند. کارش شده پخش تکراری فیلم‌های کرهای و اکشن هالیوودی. این روزها هم که سریع و خشن را پشت سر هم دارد پخش می‌کند.

شبکه چهار سیمای

حداقل کاری که سیمای جبلی می‌تواند انجام دهد این است که یک دوربین بگذارد و دو کارشناس حرف بزنند. چیزی که در شبکه چهار مرسوم و معمول است. جبلی این کار را به خوبی انجام می‌دهد و شبکه چانه(چهار)، از صبح تا غروب مباحث علمی و شبه علمی را مورد بررسی قرار می‌دهد؛ تنها عیش این است که جبلی اهل دریا نیست و حوصله مباحث دریایی را ندارد.جبلی در شمیران زاده شده و به همین دور و اطراف عادت دیرینه دارد. این است که وقتی به او پیشنهاد می‌شود که به سمت دریا برویم و کمی به دریا توجه کنیم، با لهجه شمیرانی خود می‌گوید: که بره این همه راه و این است که شبکه چهار به رغم سادگی تولید هم به موضوع دریا چندان ورود نمی‌کند.

شبکه نمایش

شبکه نمایش که در قرق است. هر چند مدت یک کشوری آن را قرق می‌کند. این روزها در قرق خشن و سریع است و دارد تبلیغ دزدی می‌کند. یک گروه خشن و سریع که با بانک می‌زنند، یا ماشین می‌دزدند. البته سیمای زحمت کشید و در قسمت هشتم از سریع و خشن، یک زیر دریایی نشان داد و ثابت کرد که به شدت به دریا توجه دارد.

سایر شبکه‌ها

سایر شبکه‌ها اصلا و اساسا دریایی نیستند و کاری هم با دریا ندارند. شبکه نمایش به دریا ربط دارد، چون گاهی فیلمی نشان می‌دهد که در آن یک کشتی در حال غرق شدن است و یک عده می‌روند و آن‌ها را نجات می‌دهند. این توجه به دریاست و مخاطب ایرانی را با دریا آشنایی می‌دهد. اما سایر شبکه‌ها یا فوتبال است یا آشپزی. در آشپزی هم خیلی به غذای دریایی توجه نمی‌شود. مثلا پخت ماهی برای شبکه یک گران از آب در می‌آید چون یک بخشش را باید جلوی دوربین حرام کنند و بخش مهم‌ش را درست سرخ کنند و پشت صحنه سفره بینندگان در نتیجه:

در نتیجه، «توجه کافی به دریا نمی‌شود» فرهنگ‌سازی صورت نمی‌پذیرد. مهم‌ترین و گسترده‌ترین ابزار تبلیغی کشور برنامه مشخص و مدون برای توجه به دریا ندارد. حساب باقی پاک است! در نتیجه، سایر ارکان دولتی مانند آموزش و پرورش، وزارت علوم، وزارت فرهنگ و... خیلی به دریا توجه نمی‌کنند. در کتاب‌های آموزش و پرورش حرف از خشکی است و بی‌آبی و توجه دادن کودکان به مصرف آب. خبری از دریا‌های مکران و خزر و خلیج فارس نیست. اگر هست، یک بعد سیاسی دارد. خلیج فارس هست، در حد شعار که بگوئیم مال ماست. اما این چه مزیت‌هایی برای زندگی ما دارد، این که دریای مکران چه خاصیتی برای زندگی ما دارد، این‌ها گفته نمی‌شوند و بی‌توجهی تا جایی است که همین دریای مکران خودمان را دریای عمان می‌خوانیم! باقی فاجعه پیدا نیست؟

دزدان دریای کارائیب

جناب آقای جبلی دزدان دریای کارائیب را دوباره پخش کن. خیلی دلمان برای چک گنجشگه تنگ شده است! شما که بخشی از این همه شبکه را به طور منظم و برنامه‌ریزی شده به دریا و مباحث دریایی اختصاص که نمی‌دهید، حداقل دوباره و برای نمی‌دانم چندمین بار، دزدان دریای کارائیب را پخش کن. در ضمن از شما تشکر می‌کنیم چندی پیش غرق شدن یک کشتی را نشان دادی و یک قایق موتوری رفت و همه را نجات داد. این خیلی خوب بود، اما هیچ چیزی جای دزدان دریای کارائیب را نمی‌گیرد. البته کاپیتان دسبیلوا هم خوب است که با پای چوبی‌اش می‌رود گنج پیدا می‌کند. گنج چیزی خوبی است.

اقتصاد سرآمد در گفت و گوبا پژوهشگر حوزه شیلات بررسی می‌کند:

بلای زیبایی به نام ماهی قرمز

ماهی قرمز اگر در طبیعت رها شود آسیب می‌زند

سید گروه فرهنگ دریا-امیدمتین - «ماهی قرمز» بلای زیبایی است که بر سر زیست‌بوم طبیعی و سفره هفت‌سین ایرانی‌ها آمده است. اما در باره این بلا، نظرات کارشناسان متفاوت است. برخی ماهی قرمز را یک آفت زیستی - فرهنگی می‌دانند، برخی آفت فرهنگی می‌دانند و به بعد زیستی آن چندان اهمیت نمی‌دهند و برخی آن را آفت نمی‌دانند و وجودش پای سفره هفت‌سین را هم تایید می‌کنند! همه این‌ها بستگی دارد به استدلال‌ها. کدام استدلال قوی است و موضع زیستی و فرهنگی کشور در باره ماهی قرمز باید باشد؟ آیا آن چه هست را باید پذیرفت؟ یا اگر متوجه شویم که این آفت زیبا، زیان‌های بزرگی برای زیست و فرهنگ ایرانیان دارد، باید با آن مقابله کرد و آن را در یک تصحیح فرهنگی، از دایره فرهنگ ایران - به خصوص سفره هفت سین و عید ایرانی - خارج کرد. در این باره بسیار باید گفت و شنود کرد که حداقل در گام اول، کارشناسان حوزه شیلات متوجه نکات متعدد - به خصوص نکات فرهنگی - این قضیه بشوند. این بار گفت‌وگویی دوستانه داشتیم با دکتر سیامک یوسفی سباکلرودی - پژوهشگر حوزه شیلات- در باره ماهی قرمز که از نظر تان می‌گذرد:

گفتم: ماهی قرمز یک آفت غیر بومی است و به محیط زیست ما آسیب می‌زند. آیا ماهی قرمز ایرانی است؟
گفت: نه. اما خیلی ماهی‌های دیگر هستند که ایرانی نیستند. مثلا قزل‌آلا که از امریکا آمده است. یا تیلاپیلا که از چین آمده یا سی‌س که از استرالیا آمده و... و همه گونه‌های غیر ایرانی هستند. خیلی ماهی‌ها هستند که ایرانی نیستند.
گفتم: به نظر می‌رسد که باید سوالم را تصحیح کنم و این طور بپرسم: آیا ماهی قرمز که غیربومی است، آفت محیط زیست ماست؟

گفت: اگر به صورت پرورشی باشد اشکالی رخ نمی‌دهد. همان طور که ماهی قزل‌آلا هم اگر به صورت پرورشی باشد مشکلی ایجاد نمی‌کند اما اگر وارد آب‌های ما بشود، مخرب خواهد بود.

گفتم: مردم ماهی قزل را می‌خرند که بخورند. دلیلی ندارد که در رودخانه‌ها رها کنند. اما ماهی قرمز این گونه نیست. کسی ماهی قرمز را برای خوردن نمی‌خرد.

گفت: حالا اگر مردم اشتباه می‌کنند که ماهی قرمز را در آب‌ها رها می‌کنند، باید به آن‌ها آگاهی داد که این‌کار را نکنند. البته چیزهای دیگری هم رهاسازی می‌کنند مثل لاک پشت‌های چینی که وارد می‌شود را رها می‌کنند که این‌ها هم منجر به آسیب به محیط زیست می‌شوند. به طور کلی هر چیزی کنترل نشود، مشکل ایجاد می‌کند.

گفتم: پس همین جا این تفاوت بین ماهی قزل و ماهی قرمز که هر دو غیر ایرانی هستند، مشخص می‌شود: یکی را پرورش می‌دهند که در چرخه غذایی قرار بگیرد و معمولا در رودخانه رها نمی‌کنند، بلکه از رودخانه می‌گیرند که بخورند. ولی ماهی قرمز نه. هیچ مصرفی ندارد؟
گفتم: دیگر این که سطح تولید ماهی قرمز و رهاسازی آن در آب‌های کشور بسیار بسیار بالاتر است از ماهی قزل و دیگر مواردی که مثال زدید. این است که سطح آسیب ماهی قرمز بسیار بالاتر است.

گفت: ماهی قزل هم رهاسازی می‌شود. آن‌هایی که پرورش می‌دهند رهاسازی می‌کنند و میزان فرار ماهی‌های قزل به آب‌ها زیاد است.

گفتم: به هر حال فلسفه ماهی قزل برای خوردن است. و ماهی قرمز برای زینت سفره هفت سین. ماهی قزل، تیلاپیلا، سی‌س و... که در ایران



هم اشتغال‌زایی می‌کنند و از این مفر تان می‌خورند!

گفت: چه ربطی دارد؟ شما هر تین را با ماهی قرمز مقایسه می‌کنید؟ این مقایسه خنده‌داری است. مثل این است کسی بگوید، من که در خانه گربه پرورش می‌دهم بروم هرویین هم تولید کنم!

گفتم: اگر ملاک و شاخص اشتغال باشد، می‌تواند بگوید. شغل شغل است و اشتغال اشتغال است. لاجرم باید بگوئیم که اشتغال و اشتغال‌زایی دلیل موج برای پرورش یا تولید عناصر مضر برای تغذیه، زیست و فرهنگ نیست. شرط لازم است اما کافی نیست. پس هر چیزی را نباید پرورش داد. گفت: ماهی قرمز چیزی نیست که نشود پرورش داد. ماهی‌های دیگری از خارج وارد می‌کنیم که فقط یکی از آن‌ها ماهی قرمز است. شما می‌توانید این آمار را از شیلات بگیرید. همه این ماهی‌ها اگر در طبیعت رها شوند، آسیب‌زا هستند.

گفتم: اما کمیت ماهی‌های زینتی طوری نیست که مثل ماهی قرمز همه جا باشد و جمعیت زیادی از آن‌ها در آب‌های مارهاسازی شوند. معمولا ماهی زینتی در آکواریوم می‌ماند تا زمان مرگ. اما ماهی قرمز می‌که به صورت انبوه در فصل خاص وارد بازار می‌شود، نیمی می‌میرد و نیمی رها سازی می‌شود. این یعنی آسیب بزرگ نسبت به سایر ماهی‌ها.

گفت: ماهی قرمز هم همین است. اگر در خانه نگهداری شود، آسیبی ندارد؛ اما اگر رهاسازی شود، بله. آسیب خواهد زد. و فقط ماهی قرمز هم نیست. همین سبزه‌ای که می‌کارند، وقتی در طبیعت انداخته می‌شود، آسیب‌زا می‌شود. می‌توانند جایی مشخص کنند که این سبزه‌ها جمع‌آوری شود و تبدیل به خوراک دام و طیور شود.

گفتم: آفرین بر شما. به نکته مهمی اشاره کردید. همین سبزه هم در فلسفه و ماهیت فرهنگ ایرانی نیست. آن را دگرگون کرده‌اند. سالانه خوراها بدر گندم و ارزن و... به اسم عید، حرام می‌شود و از بین می‌رود؛ در حالی که فرهنگ غنی ایرانی چنین چیزی را باب نکرده است. ما هم همین را می‌گوئیم که در باره ماهی قرمز که ماهی عید چینی‌هاست و سایر موارد مانند سبزه عید، یک توطئه استحماری وجود داشته و دارد تا ایرانی را از ماهی خوری، از پرورش گل و گیاه و... دور کند و نگاه ایرانی را به نگاه‌داری از محیط زیستش، نگاهی سطحی و پس رفته کند. این است که بحث اصلی ما اصلاح فرهنگی است. ما می‌گوئیم ماهی قرمز که با فرهنگ ما مبنی بر حمایت از حیوانات جور نیست، با فلسفه سبزی پلو با ماهی که مروج فرهنگ ماهی‌خوری در ایرانیان است، جور نیست، نباید در سفره هفت سین بنشیند و به طور کلی باید حذف شود و جایش را به همان ماهی پلو بدهد. اشتغال

را می‌توان به سمت ماهی‌های زینتی دیگری برد غیر از ماهی قرمز. حتا می‌توان اشتغال را به سمت ماهی‌های خوراکی برد. می‌توان فرهنگ‌سازی کرد که مردم در مجتمع‌های خود با یک آکواریم بزرگ، ماهی سفید یا قزل یا... را پرورش دهند. وقتی می‌توان ماهی زینتی بی‌ضرر کشت کرد، چرا ماهی قرمز؟ ضمن این که منافع یک عده که نباید دلیل تخریب زیست از یک سو فرهنگ از دیگر سو باشد. آیا از نظر شما این منطق غلط است؟

گفت: از نظر من بله. غلط است. چون که پرورش ماهی تابع فرایندهایی است. به همین خاطر ما مثلا پرورش ماهی سفید نداریم، اما ماهی چینی را پرورش می‌دهیم. پرورش ماهی کفال نداریم، اما ماهی استرالیایی را پرورش می‌دهیم. ماهی قزل‌آلا که از کالیفرنسیای امریکا آمده است را پرورش می‌دهیم و الان بزرگ‌ترین پرورش‌دهنده ماهی قزل‌آلا در دنیا هستیم. پرورش و نگهداری بستگی به فرهنگ مناطق دارد. مثلا در لرستان اخیرا جا افتاده که سمندر سر سفره هفت سین می‌آورند که سین هم دارد! اما این‌ها بحث فرهنگی است که من ورود نمی‌کنم. فقط این که ماهی از نظر زیست بوم مشکل و ضرر دارد، اگر کنترل شود و آموزش مناسب به مردم داده شود و ماهی را در طبیعت رها نکنند، مشکلی نیست.

گفتم: ممنون از هم‌فکری شما. به طور کلی دانستیم که ماهی قرمز از بعد زیست محیطی اگر کنترل شود، مشکلی ندارد. از بعد اشتغال هم، شغل زایی کرده است. گرچه می‌توان این اشتغال را به سمت دیگر آبیازان سوق داد و از آفت زیبای ماهی قرمز رها شد. و نیز دانستیم که ماهی قرمز با سایر ماهی‌های زینتی فرق دارد؛ زیرا، آن همه ماهی زینتی وارداتی دیگر، پا نمی‌شوند و بیایند سر سفره هفت‌سین ما بنشینند. اما ماهی قرمز است که پایش را از عید چینی‌ها تا عید ما برداشته است و جایی نشسته که نباید باشد. از این رو، یک آسیب جدی فرهنگی دارد که البته شما فرمودید که بحث فرهنگی آن ورود نمی‌کنید. ضمن این که تاکید می‌کنیم که مساله اصلی ما، بعد فرهنگی ماهی قرمز و آسیب‌های فرهنگی آن و تضاد ماهوی وجود آن با فلسفه و جودیت فرهنگ ایرانی و عید ایرانی است. ماهی قرمز ممکن است کنترل شود که محیط زیست را تخریب نکند - که این گونه هم نیست - اما مساله این است که فرهنگ ما را آلوده کرده و به فرهنگ ایرانی آسیب جدی رسانده است و فلسفه احترام به حیوانات را به حیسان آزاری و قاعده ماهی پلوی شب عید را به زندانی کردن یک ماهی در یک تنگ کوچک عوض کرده است و این جلوه زشتی است. ما در این باره باز هم سخن خواهیم کرد. با سپاس از دکتر یوسفی که بسیار دوستانه و صمیمی با این گفت و گو همراهی کردند.

دریاچه ارومیه

قاب دوربین



عکس: عادل باخدا

بدون شرح...



فریبا عزیزی - اقتصاد سرآمد